



از خاک تا افلاک: گرامیداشت سال جهانی خاک

هوشنگ خسروی

عضو هیأت علمی مؤسسه تحقیقات خاک و آب

چکیده

در آیات مختلف قرآن کریم مراحل مختلف آفرینش انسان بیان شده است. در این آیات سیاره زمین محل و منشاء آفرینش بشر عنوان شده و تأکید شده است که نسل بشر از قشر سطحی پوسته زمین یعنی خاک، خلق شده است. در قرآن کریم، واژگان مختلفی از جمله ارض، تراب، طین، صلصال، فخار و امثال آن برای ماده اولیه آفرینش انسان ذکر شده است. پروردگار متعال در آیه ۵۵ سوره طه آفرینش انسان را به این شکل بیان می‌فرماید که "شما را از خاک آفریدیم و به خاک بر میگرددانیم و بار دیگر از خاک خارج میکنیم". نوع و ترکیب عناصر تشکیل دهنده بدن انسان و پوسته زمین شباهت‌های زیادی دارند. علیرغم تفاوت نظریات ثبات گونه‌ها و تکامل در باره خلقت موجودات زنده با اینحال این نظریات منافاتی با آفرینش انسان از خاک ندارند. در این مقاله آیات مرتبط با موضوع آفرینش انسان از خاک مرور می‌شود. از اهداف گردآوری این مقاله تبیین جایگاه خاک به عنوان موجودی مقدس و اهمیت آن از منظر خالق هستی و تأکید بر رعایت امانت‌داری و ممانعت از هر گونه عمل غیر اخلاقی اعم از آلودگی، فرسایش، شورش‌سازی و ... می‌باشد.

کلمات کلیدی: آدم، آفرینش، قرآن

مقدمه

زمین، مکان آفرینش انسان :

واژه آدم از کلمه عبری a-dam به معنی ساخته شده از خاک و زمین مشتق شده است. خداوند متعال در آیاتی از قرآن، زمین را مکان آفرینش انسان عنوان فرموده‌اند. از جمله آیاتی که به محل آفرینش انسان اشاره دارند می‌توان به موارد زیر اشاره نمود آیه ۷۹ سوره مؤنون: و اوست آن کس که شما را در زمین پدید آورد و عاقبت به سوی او محشور می‌شوید. بخشی از آیه ۲۲ سوره نجم: و او هنگامی که شما را از زمین پدید آورد و هنگامی که در رحم‌های مادرانتان پنهان بودید به شما دانانتر است.

بخشی از آیه ۶۱ سوره هود: او شما را از زمین پدید آورد و شما را در آن استقرار داد.

آیه ۵۵ سوره طه: شما را از این [زمین] آفریدیم، و به آن باز میگرددانیم و بار دیگر از آن بیرون می‌آوریم.

آیه ۲۴ سوره ملک: بگو اوست که شما را در زمین آفرید و در قیامت به نزد او گرد آورده می‌شوید.

در همه آیات فوق خداوند متعال، مکان آفرینش انسان را زمین و کره خاکی معرفی می‌نماید. خالق هستی به منظور تأکید بر زمینی بودن مکان آفرینش انسان و به منظور رفع هر گونه شبهه در آن مورد، این زمین را در آیه ۵۳ از سوره طه (پیش از بیان آیه ۵۵) به زیبایی به زمین اشاره می‌فرماید و آنرا مکان امن آسایش و محل بدست آوردن رزق و روزی بندگان معرفی می‌نماید. با نگرش عمیق به آیه ۵۵ سوره طه درمی‌یابیم که خداوند این زمین را همان زمینی معرفی می‌نماید که در هنگام مرگ میزبان ما و پس از مرگ نیز رستخیز ما نیز خواهد بود.

در دیگر آیات قرآن کریم، خروج انسان از زمین را در روز قیامت وعده داده و تأکید نموده که آفرینش انسان بر روی همین زمین و با خاک همین زمین انجام شده است. آیات ۱۷ و ۱۸ سوره نوح در این زمینه می‌فرماید: و خداست که شما را مانند گیاهی از زمین برویانید باز شما را بدان باز میگردداند و باز از آن بیرون می‌آورد. در آیات ذکر شده، خداوند زمینی بودن آفرینش آدم را تأکید می‌فرماید و قطعاً اگر منشاء آفرینش انسان خارج از کره خاکی می‌بود (مثلاً بهشت) دلیلی بر ذکر آغاز آفرینش از همین کره خاکی وجود نمی‌داشت. با دقت در این آیات به راحتی نمی‌توان مکان آفرینش انسان را غیر از زمین دانست.

واژه های مختلف مرتبط با خاک و معانی آن در قرآن :

تراب^{۱۱۹} (خاک): واژه تراب به معنای خاک و خاک خشک می‌باشد. در قرآن، واژه تراب ۱۷ بار بکار رفته و شش مورد آن در مورد آفرینش انسان از تراب (خاک) است. مثلاً آیه ۵۹ سوره آل عمران: إِنَّ مَثَلَ عِيسَى عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. آفرینش عیسی نزد خدا مانند آفرینش آدم است که او را از خاک آفرید و سپس به او گفت: موجود شو، پس او نیز هستی یافت. طین^{۱۲۰} (گل): طین به معنی خاک مخلوط با آب یا خاک خیس و در واقع به معنی گل است. در فرهنگ عرب، طین مشتق از فعل طان به معنی گل اندود کردن سقف و دیوار و مهر کردن سند مکتوب با گل است. البته بعضی محققان واژه طین را یک واژه سریانی می‌دانند ولی تکرار این واژه در اشعار کهن عربی نشانگر رواج آن در زبان عربی پیش از اسلام بوده است. الذی أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ

^{۱۱۹} - Turab: Dry earth or soil, common word for all kind of earth.

^{۱۲۰} - Teen: Water soaked soil without husk.

چهاردهمین کنگره علوم خاک ایران - پیدایش، رده بندی، ارزیابی خاک و زمین نما

وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ. خدایی که هر چیزی را به نیکوترین وجه آفرید و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد (سجده، ۷). واژه طین شش بار در قرآن استفاده شده است.

طین لازب^{۱۳۱} (گل چسبنده): طین لازب به معنای گل چسبنده و یک نوع گل مخصوص است که حالت چسبندگی دارد و شاید با احتیاط بتوان گفت که منظور خاک رس است. در قرآن کریم درباره آفرینش انسان از طین به هشت مرتبه اشاره شده است. إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِنْ طِينٍ لَازِبٍ. ما آنها را از گل چسبنده آفریدیم (الصافات، ۱۱).

صلصال^{۱۳۲} (گل خشک): صلصال به معنی گل خشک است. واژه صلصال از فعل عربی صلصل به معنی طین افکندن مشتق شده است و منظور از صلصال گل خشکی است که وقتی به جایی برخورد می کند صدا ایجاد می کند. در کتاب آسمانی قرآن چهار مورد از صلصال استفاده شده است.

فَخَّارٍ^{۱۳۳} (سفال): فَخَّارٍ به معنی گل سفال است. واژه فَخَّارٍ نمی تواند از فعل عربی فخر به معنی به خود بالیدن و افتخار کردن باشد و بین مفسران اتفاق نظر وجود دارد که این واژه به معنای گل خشکیده مانند سفال است. خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ كَالْفَخَّارِ. انسان را از گل خشک شده ای مانند سفال آفریدیم (الرحمن، ۱۴).

حَمًا^{۱۳۴} مَسْنُونٍ: حَمًا مَسْنُونٍ به معنای گل و لجن تیره بدبوی سیاه رنگ است. وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَالٍ مِنْ حَمًا مَسْنُونٍ. ما انسان را از گل خشکیده لجن تیره رنگ بویناک، آفریدیم (حجر، ۲۶). این واژه در آیات ۲۸ و ۳۳ همین سوره نیز تکرار شده است. سُلَالَةٌ^{۱۳۵} مِنْ طِينٍ (چکیده و عصاره گل): وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ. ما انسان را از عصاره گل آفریدیم مؤمنون، ۱۲). سَجِيلٍ: واژه سَجِيلٍ، معرب اصطلاح فارسی، "سنگ گل" به معنای سنگ گلی یا گل سنگ شده است (فیل، ۴).

ثَرِي^{۱۳۶}: واژه ثَرِي در زبان عربی به معنای زیر خاک و زیر زمین می باشد. در سوره طه آیه ۶: لُهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى. آنچه در آسمان هاست و آنچه در زمین و آنچه میان آن دو و آنچه زیر خاک (درون زمین) است از آن اوست. صَعِيدٌ^{۱۳۷}: صَعِيدٌ به معنی لایه سطحی زمین است. صَعِيدٌ در بخشی از آیه ۶ سوره مائده و آیه ۴۳ سوره نساء (فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا) که در باب تیمم است به معنای خاک پاک و در برخی منابع به خاک دست نخورده و جا به جا نشده نیز اشاره شده است.

خاک و مراحل آفرینش انسان از دیدگاه قرآن کریم:

مراحل آفرینش انسان در سوره های متعدد قرآن از جمله انعام، حج، مؤمنون، مؤمن، روم، سجده، رحمان، مرسلات و طارق آمده است. در هر یک از این سوره ها به بخشی از این مراحل پرداخته شده و واژه های به کار رفته برای هر مرحله هم در بعضی موارد متفاوت است. مثلاً مراحل تراب (خاک)، نطفه (اسپرم)، علقه (لخته چسبنده) و مضغه (تکه گوشت) در آیه ۵ سوره حج آمده است. حال آن که در آیه ۱۲ سوره مؤمنون، طین (گل) به جای تراب (خاک) به کار رفته است. در سوره رحمان آیه ۱۴ فقط به صلصال (گل خشک) اشاره شده و مراحل دیگر ذکر نشده اند و نیز در آیه ۲ سوره انعام به طین و در سوره روم آیه ۲۰ به تراب اشاره شده است. در آیه های ۷ تا ۹ سوره سجده آفرینش حضرت آدم از گل آغاز سپس نسل او را از آبی بی مقدار قرار داد و در روح خود در آن دمید. در سوره حجر آیه های ۲۶، ۲۸ و ۳۳ انسان از لجنی متعفن و تیره رنگ آفرینش شده است و اشاره شده است که ما به شیطان که او را از آتش آفریده بودیم گفتیم بر انسان سجده کند. قرآن گاهی روی خاک، گاهی روی آب و گاهی روی هر دو یعنی مجموع آب و خاک (گل) تاکید داشته است. به هر حال همه موارد ذکر شده در واقع یک ماهیت داشته که تغییرات کیفی داشته اما تغییرات جوهری و دگرگونی از نوعی به نوع دیگر، نداشته است. در سوره هود آیه ۸۲ و سوره حجر آیه ۷۴ و سوره ذاریات آیه ۳۳ واژه های طین و سَجِيلٍ به جای هم به کار رفته اند بنابراین می توان گفت که در این موارد معنای یکسانی دارند: فلما جاء امرنا جعلنا عاليها سافلها وامطرنا عليها حجارة من سجيل منضود: «چون فرمان ما فرا رسید آنجا را زیر و رو کردیم و سنگ و گل متراکمی که نزد پروردگارت نشان دار بود بر آنها فروریختیم». لَنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِنْ طِينٍ: «تا سنگ های گلین بر آنها ببارانیم». مفسران بر این اعتقادند که واژه های تراب، طین و صلصال مکمل یکدیگرند و تناقضی با هم ندارند به این معنی که هر یک، مرحله ای از مراحل آفرینش انسان را توصیف می کنند طبق این تفسیرها خداوند انسان را از گل آفرید که مخلوطی از آب و خاک بود، سپس گلی متعفن و سیاه شکل یافت و خدا از روح خود در آن دمید و مطابق دستور او که فرمود «ایجاد شو و نگاه به شکل آدم تجسم یافت. نکته قابل توجه در این آیه اینست که خاک زمانی مقام یافت که روح خدا در آن دمیده شد اینکه ابلیس افتخار می کرد من از آتش هستم و آدم از خاک، بعد از آن که جایگاه بنی آدم را می بیند، آرزو می کند ای کاش من هم از خاک بودم و قابلیت داشتم که اشیای دیگر از من خلق می شد. در این ارتباط در سوره مؤمنون آیات ۱۲، ۱۳ و ۱۴ مراحل شش گانه تکامل جنین شامل ۱- نطفه ۲- علقه ۳- مضغه ۴- گوشت ۵- استخوان به عنوان خلقت و ۶- در روح دمیدن به واژه انشاء (ایجاد کردن و آفریدن) اشاره شده است.

مواد تشکیل دهنده بدن انسان و زمین (خاک):

^{۱۳۱} - Lazib: Viscous, sticky clay.

^{۱۳۲} - Salsal: Dried black, stinking mud which clanks

^{۱۳۳} - Fakh-khaar: Cooked soil or earth

^{۱۳۴} - Hama: Black, stinking mud.

^{۱۳۵} - Sula-lah: Extract

^{۱۳۶} - Thara: The moist soil from the deeper layer of earth

^{۱۳۷} - Saeed: The grime and dirt on the top layer of earth.

چهاردهمین کنگره علوم خاک ایران - پیدایش، رده بندی، ارزیابی خاک و زمین نما

همان طور که خاک از مواد آلی و غیر آلی تشکیل یافته است بدن انسان نیز از مواد آلی و معدنی ساخته شده است. بدن انسان از تجمع عناصری ساخته شده که منشاء آنها زمین و خاک است. زمین نیز مجموعه‌ای از عناصر به شکل خالص و یا ترکیب است. اگر چه نسبت عناصر تشکیل دهنده بدن انسان و طبیعت متفاوت است اما شباهت‌های اساسی بین آنها وجود دارد این مسئله موضوع علم زمین شناسی پزشکی است که در آن ارتباط میان عوامل زمین شناختی و بیماری‌های حاصل از آن بررسی می‌شود و هدف از آن شناخت عوامل زمین شناسی و تاثیر آن بر سلامت موجودات است. از مثال‌های قدیمی در مورد رابطه خاک و وابستگی بدن انسان، بروز بیمار گواتر در اثر کمبود ید در مناطق کوهستانی است. اگر جسم انسان به اصل خود برگردانده شود، شباهت زیادی به خاک خواهد داشت.

در جدول یک و پی نوشت آن به درصد عناصر موجود در بدن انسان اشاره شده است.

جدول ۱- درصد عناصر غالب موجود در بدن انسان

نوع عنصر	اکسیژن	کربن	هیدروژن	نیتروژن	کلسیم	فسفر	پتاسیم	گوگرد	منیزیوم
درصد	۶۵	۱۸	۱۰	۳	۵/۱	۱	۳۵/۰	۲۵/۰	۰۵/۰

همچنین عناصر مس، روی، آهن منگنز، مولیبدن، کالر، فلوئور، ید و کبالت حدود ۰۷/۰ درصد و عناصر آلومینیوم، سیلیس، و نادیم، برم، آرسنیک، سرب و استرانسیوم به مقدار ناچیز در بدن انسان وجود دارد.

در جدول دو عناصر غالب موجود در پوسته زمین که حدود ۵/۹۸ درصد وزنی پوسته زمین است نشان داده شده است.

جدول ۲- عناصر غالب موجود در پوسته زمین

نوع عنصر	اکسیژن	سیلیس	آهن	کلسیم	سدیم	پتاسیم	منیزیوم
درصد	۶/۴۶	۷/۲۷	۱/۸	۵	۸/۲	۶/۲	۱/۲

بقیه عناصر نیز مجموعاً ۵/۱ درصد پوسته زمین را تشکیل می‌دهند.

از نظر علم خاکشناسی، خاک ماده پیچیده‌ای است که از مواد مادری و سنگ‌های زمین در طول زمان و در اثر عوامل مختلف بوجود آمده است. میزان عناصر تشکیل دهنده در خاک‌های مختلف، متفاوت است و در بعضی منابع وجود انواع خاک‌ها به عنوان تفاوت در سرشت آدم‌های مختلف نیز ذکر شده است. در رابطه با اصطلاح "طین" که منظور مخلوط آب و خاک است بایستی آب را که شامل عناصر هیدروژن و اکسیژن است نیز در این معادله وارد نمود که البته شایسته است به علت عظمت آب و نقش آن در کل حیات در مبحث دیگری به آن پرداخته شود. صرف نظر از نوع و مقدار عناصر در خاک و بدن انسان و با توجه به مطالب یاد شده می‌توان گفت که عناصر تشکیل دهنده بدن انسان از عناصر و مواد خاکی منشاء گرفته که خالق هستی توسط آن حضرت آدم ابولبشر را از آن آفرینش نمود و در ادامه، بشر برای تداوم نسل خود عناصر ضروری برای حیاتش را از طریق تغذیه از گیاهان اعم از میوه‌جات، سبزیجات، حبوبات و غلات و دام‌ها و آبزیان به صورت مستقیم و غیر مستقیم از خاک تأمین می‌نماید. نکته جالب اینکه در روایتی منسوب به امام جعفر صادق (ع) اینستکه ایشان فرموده‌اند: هر چه در زمین هست در بدن انسان نیز وجود دارد و تمام چیزهایی که در خاک هست در بدن آدمی نیز وجود دارد اما به یک اندازه نیست. و بعضی از آنها در بدن انسان خیلی زیاد است و بعضی خیلی کم است.

آفرینش انسان در قرآن و نظریات ثابت و تکامل :

تاکنون درباره چگونگی آفرینش موجودات زنده و از جمله انسان نظریات لامارکیسم، نئولامارکیسم، داروینیسم، نئوداروینیسم و مکتب طرفداران جهش و موتاسیون ارائه شده است. این مکاتب از دو نظریه عمده نشأت گرفته‌اند یکی نظریه ثبوت صفات گونه‌ها و آفرینش مستقل، معروف به نظریه فیکسیسم^{۱۲۸} یا لامارک و دیگری نظریه تحوّل انواع و تغییر تدریجی صفات گونه‌ها و پیوستگی نسلی جان‌داران و تکاملی بودن حیات آن‌ها معروف به نظریه ترانسفورمیسم^{۱۲۹} یا داروین است. قرآن کریم در آیات بسیاری انسان را موجودی با آفرینش مستقل معرفی نموده و دلالت بر این می‌کند که بشر امروزی از نسل دو نفر زن و مرد بوجود آمدند و آن مرد و زن از پدر و مادری به وجود نیامده‌اند بلکه از خاک پدید آمده‌اند. لازم به ذکر است که اعتقاد به نظریه تکامل، به هیچ وجه به معنای انکار خالق و عدم توجه به وجود خدا نیست و منافاتی ندارد زیرا تکامل و تحوّل چیزی به چیز دیگر به قدرت خداوند حکیم طراح شده است. داروین خود نیز تصریح می‌کند که در عین قبول تکامل انواع، خداپرست است و اصولاً بدون قبول خالق نمی‌توان تکامل را توجیه کرد از طرفی اگر چه داروین و گروهی از طرفداران نظریه او، نژاد انسانی را به نوعی از میمون‌ها که بیشترین شباهت ظاهری را به انسان داشته، منتهی می‌کنند، اما همه طرفداران نظریه تکامل، این امر را نپذیرفته‌اند و اختلاف‌های بسیاری وجود دارد. در ابتدا این تذکر لازم است که منظور دانشمندان از اعتقاد به این که حضرت آدم (ع) مستقیماً و به صورت آبی و دفعی از خاک آفریده شده (فیکسیسم) و یا نقطه مقابل آن که نظریه ترانسفورمیسم است و معتقد می‌باشد که بر اساس تکامل تدریجی ریز جانداران تک‌یاخته‌ای طی میلیون‌ها سال به سایر موجودات و در نهایت به میمون و انسان نئاندرتال و انسان کنونی ختم می‌شود. بر فرض هم که تکامل داروینی را بپذیریم و برای انسان اجداد حیوانی قائل شویم، هیچ گونه مخالفتی با اینکه انسان‌های موجود همه دارای پدر و مادر واحدی به نام آدم و حوا باشند ندارد. آیات قرآن در مورد آفرینش انسان از خاک می‌تواند چنین تفسیر شود که خاک پس از طی

^{۱۲۸} - Fixism

^{۱۲۹} - Transformism

چهاردهمین کنگره علوم خاک ایران - پیدایش، رده بندی، ارزیابی خاک و زمین نما

مراحل تکاملی بعد از میلیون‌ها سال به صورت آفرینش کامل انسان در آمده است. اشاره شد هم شد که از نظر علوم خاک، خود خاک هم ماده پیچیده‌ای است که از مواد مادری و سنگ‌های زمین و در اثر عوامل مختلف بوجود آمده در طول زمان و به تدریج تکامل یافته است. برخی نویسندگان نیز آیات قرآن را با نظریه تکامل تطبیق داده‌اند. همچنین ممکن است بین انسانهای امروزی و از نسل آدم با انسان‌های گذشته از نظر فیزیولوژی (جسمانی) شباهتهای وجود داشته باشد، اما به هیچ وجه نمیتواند بین عناصر اساسی انسانیت مانند روح انسانی، خلاقیت، وجود ارزشهای اخلاقی، خوب و بد و... را اثبات کند و بین انسانهای امروزی و موجودات حیوانی ارتباط برقرار کند. در هر حال تئوری‌های علمی صرفاً می‌تواند شباهتهایی را از نظر فیزیولوژی و مادی اثبات کند، اما در موضوع عناصر و ویژگی‌های دیگر انسان از جمله ساختار روحی و معنوی چیزی بیان نمی‌کند. علامه محمد تقی جعفری نیز نظریه تکامل را فاقد ارزش و اعتبار علمی می‌داند و دیدگاه قرآنی خلقت را که آفرینش دفعی و استقلالی می‌داند را ملاک می‌داند، از نظر ایشان، ظاهر اغلب آیات نشان می‌دهد که بشر بدون فاصله زمانی و تحولات از گل خشکیده و تیره آفریده شده است، جملات نهج البلاغه هم به استقلال خلقت آدم دلالت واضح دارد. زیرا میان حالت گل خشکیده و دمیدن روح، هیچ جریان و تنوع دیگری را مطرح ننموده، مگر گذشتن مقدار معینی از زمان، نه میلیون‌ها سال با تحولات متنوع و فراوان. آیه دیگری که آفرینش مستقل انسان را ثابت میکند آیات ۷ و ۸ سوره سجده است. «وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ ثُمَّ جَعَلَ نُسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ مَاءٍ مَهِينٍ.» تفصیلی که این آیه بین آفرینش انسان نخستین و نسل‌های بعد قائل شده است به روشنی دلالت بر این دارد که نحوه آفرینش آنان با هم متفاوت است. اگر همه انسان‌ها از «ماء مهین» خلق شده بودند که حضرت آدم هم جزء آنها محسوب بود این تفصیل، توجیهی نداشت.

بر پایه اساطیر زرتشتی نیز "هرمزد" (خدای نیکی) گلی را به شکل نطفه در زمین قرار می‌دهد و زمین "کیومرث" (نخستین انسان) را می‌زاید و پس از کشته شدن او به دست اهریمن، نطفه‌اش در زمین کاشته می‌شود و سپس به صورت دو گیاه به هم پیوسته می‌روید که در نهایت به مرد و زنی بدل می‌شوند با نام "مشی" و "مشبانه" که پدر و مادر بشر بوده‌اند. در پایان با چند بیت شعر از سعدی در مورد خاک مطلب ختم می‌شود و تفسیر و توضیح بیشتر مطالب به عهده متخصصان مربوطه واگذار می‌شود.

ز خاک آفریدت خداوند پاک پس ای بنده افتادگی کن چو خاک

حریص و جهان‌سوز و سرکش مباش ز خاک آفریدندت آتش مباش

چو گردن کشید آتش هولناک به بیچارگی تن بینداخت خاک

چو آن سرفرازی نمود، این کمی از آن دیو کردند، از این آدمی

نتیجه گیری

مستندات برگرفته از کتب آسمانی و بویژه قرآن، همچنین ترکیب شیمیایی بدن انسان و زمین دلالت بر آفرینش انسان از خاک کره زمین دارد. نظریات ثبوت و تکامل علیرغم تفاوت در نحوه آفرینش که دفعی یا تدریجی بودن آفرینش موجودات را بیان می‌کنند، در هر صورت منافاتی با آفرینش انسان از خاک ندارند. خاک، به عنوان خمیر مایه آفرینش انسان و ضروری بودن آن برای ادامه حیات انسان، موجودیتی مقدس و الهی دارد. لذا حفظ حرمت آن توسط انسان لازم است. بر این اساس از بین بردن خاک، آلوده کردن، شور کردن، سوزاندن، فرسودن، فرسائیدن و استفاده نابجا از خاک به دور از اخلاق انسانی بوده و خطای بزرگی محسوب می‌شود.

منابع

طالب تاش، ع. سنسبل بچاری، ف. ۱۳۹۰. آفرینش انسان از دیدگاه قرآن و علوم جدید. فصلنامه قرآنی کوثر، شماره ۴۰: ۲۵-۱۰. رابینسون ن. (مرادی، گ؛ مترجم). گل و خاک در قرآن. ۱۳۸۱. نشریه شماره ۱۲۱ قرآن و حدیث، صفحات ۳۳-۳۲. محمودی ش و حکیمیان م. ۱۳۷۴. مبانی خاکشناسی. انتشارات دانشگاه تهران، ۷۰۱ صفحه. صالحی، م. ۱۳۸۸. دیدگاه قرآن و اندیشمندان مسلمان در قبال نظریه تحول انواع. فصل نامه خط اول (رهیافت انقلاب اسلامی)، ۹: ۱۱۳-۱۳۰.



چهاردهمین کنگره علوم خاک ایران - پیدایش، رده بندی، ارزیابی خاک و زمین نما

Harper, H. A., V. W. Rodwell, P. A. Mayes. ۱۹۷۷. Review of Physiological Chemistry, ۱۶th ed., Lange Medical Publications, Los Altos, California.

<http://tohid.ir/fa/persian>

<http://www.zitova.com>

<http://www.erfan.ir/>

<http://www.quransynonyms.com/>

<http://kaheelV.com/>

<http://www.hadith.net/>

<http://www.maktabevahy.org/>

<http://www.ekshefkarbi۱۳۳.ir/>

<http://www.hawzah.net/>

<http://www.pasokhgoo.ir/>

<http://www.wikifeqh.ir/>

Abstract

Different stages of human creation are mentioned in various verses of Holy Quran. In these verses, the planet earth is introduced as the place and origin of human creation and has been emphasized that man is created from the upper layer of the earth's crust. In Holy Quran, different terms such as Arz, Torab, Teen, Salsal, Fakh-khaar and etc., are mentioned as raw material for creation of human. The Lord almighty in verse ۵۵ of Taha Sura, expresses human creation as " *we created you from it (the earth), and to it we shall restore you; and from it we will bring you forth yet a second time* ". Type and composition of the constituent elements of the human body and earth crust are very similar. Despite of differences between theories of fixism and transformism about creation of living organisms, however, they do not have any paradox with creation of human from the soil. In this paper, the verses of Holy Quran related to human creation from the soil are reviewed. The aims of this reviewed paper is explanation of soil position and importance of it from the perspective of the great Lord and emphasizing that the soil is sacred and everyone is necessary to uphold integrity and protection of it from contamination, erosion, salinization, burning and etc.